نگاه

دبیر شورای عالی امنیت ملی:

منطقه ممنوعه تنگه هرمز را گسترش می‌دهیم

دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به بسته بودن تنگه هرمز و تشدید سخت‌گیری‌ها در این تنگه، از ایجاد یک منطقه ممنوعه تحریمی در بیرون تنگه هرمز خبر داد و عنوان کرد این محدوده تا زمانی که محاصره دریایی امریکا وجود داشته باشد، برقرار است.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، محسن رضایی در گفت‌وگو با شبکه خبر اظهار کرد: پس از اینکه ترامپ از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد خارج شد، به این جمع‌بندی رسیدیم که باید راهبردهای جدیدی را در زمینه جنگ، مذاکرات و محاصره اقتصادی در پیش بگیریم. نخستین تغییری که ایجاد شد، مربوط به مسئله تنگه هرمز است. تنگه هرمز کاملاً بسته است. پیش از بستن تنگه هرمز، روزانه بیش از ۱۰۰ فروند کشتی از این مسیر عبور می‌کرد و بیش از ۱۰۰ میلیون تن کالا از تنگه هرمز خارج می‌شد و میلیاردها دلار نیز از این مسیر عبور داده می‌شد. امروز حداکثر روزانه هفت تا هشت کشتی عبور می‌کنند که بیشتر آنها حامل مواد غذایی و کالاهایی هستند که ما وارد می‌کنیم. برخی اوقات امریکایی‌ها از میان صخره‌های متصل به ساحل عمان، دلار می‌دهند و تلاش می‌کنند دستگاه‌ها را خاموش کنند و پنج تا شش کشتی را عبور دهند. رضایی تصریح کرد: اغلب آنها هم مورد اصابت قرار می‌گیرند. هنوز تصمیم نگرفته‌ایم این کشتی‌ها را غرق کنیم، زیرا حامل مواد نفتی هستند، اما هیچ کدام سالم عبور نمی‌کنند و به آنها آسیب وارد می‌شود. آیا معنای این مسئله باز شدن تنگه هرمز است؟ بنابراین، باز شدن تنگه هرمز دروغی بزرگ است. وی ادامه داد: طی هفته‌های آینده، محدوده ممنوعه خارج از تنگه هرمز را اعلام می‌کنیم که از خط محاصره نیروی دریایی امریکا آغاز می‌شود و تا تنگه هرمز ادامه پیدا می‌کند و وارد خلیج فارس می‌شود. هر کشتی که با هدف عبور از تنگه هرمز وارد این محدوده شود و شناسایی شود، در فهرست تحریمی قرار می‌گیرد.

وی افزود: سخت‌گیری‌ها را بیشتر می‌کنیم و یک منطقه ممنوعه تحریمی در بیرون تنگه هرمز ایجاد می‌کنیم. این محدوده تا زمانی که محاصره دریایی امریکا وجود داشته باشد، برقرار خواهد بود.

■ شلیک اخیر ایران، باورپذیر کردن تهدید بود

دبیر شورای عالی امنیت ملی ادامه داد: شیوه شکستن محاصره را تغییر می‌دهیم. ما برای نخستین بار از جنگ ۱۲ روزه تاکنون، توانستیم نخستین موشک ناوشکن خود را بالای سر امریکا آزمایش کنیم. جهنمی ایجاد شد و ناوها فرار کردند. حادثه آن قدر بزرگ بود که سنتکام به آن اعتراف کرد و آنها وحشیانه به دو، سه کشتی ما که یک مورد خالی و دو مورد حامل نفت بودند، حمله کردند. اعلام کردیم این قدرت ماست؛ پس بهتر است آدم شوید و حقوق ملت ما را بدهید. زدن ناو، ۲۰۰ تا ۳۰۰ امریکایی را غرق می‌کند و برای باورپذیر کردن تهدید خود این شلیک را انجام دادیم.

■ دیپلماسی را با تضمین دنبال می‌کنیم

دبیر شورای عالی امنیت ملی در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه دیپلماسی را تغییر داده‌ایم، گفت: مشکل بزرگ ما در تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، مسئله تضمین بود. ما به واسطه‌گران اعتماد کردیم، اما در عمل مشخص شد که نتوانستند تضمین ارائه دهند. حتی در کمیته حل اختلاف نیز همین گونه بود. بنابراین، مشکل ما در دیپلماسی، نبود تضمین بود. اکنون دیپلماسی را با تضمین دنبال می‌کنیم. شرایطی تعیین کرده‌ایم تا امریکایی‌ها اعتماد خود را به ما اثبات کنند و تا زمانی که این شرایط عملی نشود، وارد مرحله دوم نمی‌شویم. یکی از تضمین‌ها، اعتمادسازی است.

رضایی ادامه داد: موضوع دوم، تضمین است که یکی از تضمین‌ها تنگه هرمز است. اگر تنگه را باز کنیم و آنها تعهدات خود را نقض کنند، مجدداً تنگه هرمز را می‌بندیم. تنگه هرمز به‌طور جدی در مدیریت ما باقی می‌ماند. برای تثبیت این تضمین، با عمان دو تا سه ماه رفت‌وبرگشت و جلسه داشتیم و موضوع نهایی شد. اکنون روی آب‌های خود و آب‌های مشترک عمان و ایران، کریدوری را برای ورود به خلیج فارس و خروج از آن تعیین کرده‌ایم و مدیریت ما در این ورود و خروج به قوت خود باقی است. وی افزود: موضوع سوم، تغییر در جنگ است. ما جنگ را نیز تغییر داده‌ایم. نخستین تغییر ما در حمله اخیر امریکا بود. ترامپ گفت جنگ سخت ۱۰ روزه را انجام می‌دهم، اما جنگ یک‌روزه تمام شد. چرا یک‌روزه تمام شد؟ چون نمی‌دانست ما برخی اهداف را شناسایی کرده‌ایم و آنها را نمی‌زنیم. فکر نمی‌کرد که اطلاع داریم. ما به دو، سه پایگاه که افسران امریکایی در آنجا بودند، شلیک کردیم. یکی از این پایگاه‌ها پدافند نداشت و پایگاه‌های اردن و اربیل را محکم زدیم. بنابراین، جنگ ۱۰ روزه ترامپ یک‌روزه شد. ما موشک ناوشکن را درست بالای سر یک ناو آزمایش کردیم که آنها وحشت‌زده فرار کردند. رضایی در عین حال تصریح کرد: معنای این مسئله این نیست که نمی‌خواهیم دیپلماسی داشته باشیم؛ ما به دنبال پایان جنگ‌ها در منطقه هستیم.

■ حزب‌الله و لبنان با علی‌الطاهر تمام نمی‌شوند

دبیر شورای عالی امنیت ملی در پاسخ به سؤالی درباره حمله رژیم صهیونیستی به بلندی‌های علی‌الطاهر گفت: در تمام جنگ‌های دنیا یک قاعده پذیرفته‌شده وجود دارد و آن این است که در هیچ جنگی همیشه پیروزی پشت پیروزی و شکست پشت شکست نیست. جنگ‌ها فراز و نشیب دارند. نباید تنها به علی‌الطاهر نگاه کرد. در ۲۰ سال اخیر، دست برتر با حزب‌الله بوده است. حزب‌الله پس از سقوط بیروت شکل گرفت و متولد شد. در سال ۲۰۰۰، تمام لبنان را حزب‌الله آزاد کرد. لبنان نخستین کشور عربی است که اسرائیل را شکست داده است. حالا اسرائیل توانسته است بخش‌هایی را تصرف کند؛ مگر حزب‌الله و لبنان تمام شده‌اند؟ جنگ فراز و نشیب دارد.

■ حق ما در حمله به امریکا محفوظ است

رضایی با بیان اینکه ما حق خود را در خصوص حمله امریکایی‌ها به مراسم عروسی خواهران و برادران ما و خونین کردن آن عقد و عروسی محفوظ نگه داشته‌ایم، گفت: نتانیاهو به دنبال جمع کردن رأی است و تبلیغات را آغاز کرده و به دنبال این است که نخست‌وزیر دور بعدی باشد. بنابراین، حواسمان هست او چه می‌گوید و برنامه ما سر جای خود است. دبیر شورای عالی امنیت ملی در پاسخ به سؤالی درباره پیام اخیر رهبر انقلاب و تأکید بر پرهیز از «دوگانه‌های موهوم» تصریح کرد: دوگانه موهوم، دوگانه‌ای است که مانند سراب است. عده‌ای با سراب‌سازی به دنبال این هستند که در ملت ایران انشقاق ایجاد کنند. یکی از ابزارهای امریکایی‌ها برای خروج از استیصال خود، شکستن وحدت مردم است. دلسوزان نباید وارد این دوگانه‌سازی شوند. رضایی تأکید کرد: بارها و بارها از طریق تفرقه خواستند انقلاب اسلامی را هدف قرار دهند، اما موفق نشدند؛ چراکه شاخصی ایجاد شده است که اختلافات را کنترل می‌کند. آن شاخص، ولایت فقیه و رهبری است. در زمان امام راحل، اختلافات جدی شکل گرفت، اما امام آن را آرام کرد و موج‌های بزرگ را خواباند. البته عده‌ای آسیب دیدند و کنار رفتند که تقصیر خودشان بود. در زمان امام شهید نیز همین اتفاق افتاد.

وی بهترین راه را تحمل‌پذیری دانست و گفت: سیاسیون ما باید یکدیگر را تحمل کنند. مثلاً چرا گفته می‌شود تنگه هرمز نباید تنگه جنگ باشد؟ مگر تنگه هرمز تنگه جنگ است؟ تنگه هرمز اکنون تنگه عزت ایران است. گاهی این صحبت‌های تند، مشاجره ایجاد می‌کند و دعوای موهوم شکل می‌گیرد. دبیر شورای عالی امنیت ملی تصریح کرد: مگر مسئولان یا رئیس‌جمهور جنگ‌طلب هستند؟ وحدت را باید حفظ کرد و حرف حق را زد.

قضائی

رئیس دستگاه قضا:

وحدت‌شکنی از هر طیف و گروهی خیانت و جرم است

رئیس قوه قضائیه با تأکید بر ضرورت حفظ وحدت و انسجام داخلی گفت: در شرایطی که مقاومت و ایستادگی ایران در برابر امریکا و رژیم صهیونیستی، نگاه بسیاری از نخبگان و کشورهای جهان را به اقتدار جمهوری اسلامی تغییر داده است، هرگونه رفتار یا سخن وحدت‌شکنانه از سوی هر طیف، سلیقه و جناحی که باشد، خیانت، جرم و گناه است و همه باید در گفتار و رفتار خود مراقبت کنند.

به گزارش خبرگزاری میزان، حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای، روز گذشته، طی سخنانی در نشست شورای عالی قوه قضائیه، ضمن تشریح برنامه‌ها و دستاوردهای سفر اخیر خود به هند به منظور شرکت در اجلاسیه سران قضایی بریکس اظهار کرد: در برنامه‌ها و دیدارهایی که در هند در حاشیه اجلاسیه سران قضایی کشورهای عضو بریکس داشتیم، یک مقوله بسیار عیان و آشکار بود و آن عظمت و اقتدار و شأنی بود که مقامات عالی‌رتبه کشورهای عضو بریکس و ایضاً علمای دینی هند برای امام شهید ما قائل بودند. آنها با تعابیر بسیار باشکوه و والایی از امام شهید ما یاد می‌کردند و اقتدار ایران اسلامی را در شکستن هیمنه امریکا می‌ستودند.

■ شخصیت‌های جهانی: ایران هیمنه امریکا را شکست

رئیس قوه قضائیه بیان داشت: چه در دیدار صمیمانه با علمای ادیان مختلف هند، چه در دیدارهای دوجانبه با مقامات عالی‌رتبه کشورهای عضو بریکس و چه در حاشیه افتتاحیه و اختتامیه و نشست‌های تخصصی بریکس و به طور کلی در هر فرصتی که دست می‌داد و دیداری با یک شخصیت بین‌المللی صورت می‌گرفت، همه و همه بر یک موضع اتفاق‌نظر داشتند و آن موضع این بود که جمهوری اسلامی ایران، هیمنه امریکا را شکست و امام شهید ما و ملت و رزمندگان سلحشور ما، درسی تاریخی به جهانیان دادند؛ درسی که مطلعش، فروپاشی افسانه دروغین شکست‌ناپذیری امریکا است.

رئیس دستگاه قضا با اشاره به نگاه خاص و دگرگون‌شده مقامات برخی از کشورها نسبت به اقتدار ایران اسلامی گفت: برخی از مقامات عالی‌رتبه کشورهای عضو بریکس، با تعابیر مختلفی، روی این مضمون تأکید می‌کردند که مقاومت و ایستادگی ایران اسلامی در برابر دو قدرت متجاوز، یعنی امریکا و رژیم صهیونیستی، دکترین و راهبرد کلان آنها را در مواجهه با مستکبران تغییر داده است؛ بدین معنا که به واسطه شکستی که با عنایت خداوند، ما بر متجاوزان امریکایی و صهیونیستی تحمیل کردیم، امروز دنیا فهمیده است که می‌شود امریکای سلطه‌گر و مزدور منطقه‌ای‌اش، یعنی رژیم صهیونیستی را به شکست و هزیمت کشاند.

رئیس عدلیه نگاه علمای هندی از ادیان مختلف به امام شهید و سیره ایشان را بسیار خاص و منحصربه‌فرد دانست و عنوان کرد: تعابیری که اعاظم و بزرگان ادیان هندی در مورد امام شهید ما به کار می‌بردند و احساسی که نسبت به ایشان دارند، حقیقتاً وصف‌ناپذیر است؛ انسان وقتی با آنها مصاحبت می‌کند، متوجه می‌شود که آنان از اعماق وجود، دلداده و شیفته مکتب آزادگی و ظلم‌ناپذیری و عزتمندی شده‌اند؛ مکتبی که امام شهید ما در آن جزو ممتازین و برجستگان است.

■ وحدت‌شکنی از هر طیف و گروهی خیانت و جرم است

قاضی‌القضات در ادامه با تأکید بر اهمیت مضاعف حفظ وحدت در داخل، خاطرنشان کرد: حال که همگان به عینه و وضوح می‌بینیم جهانیان و نخبگان جهانی چه شیفتگی و درس‌آموزی و ارادتی نسبت به ایران اسلامی و اقتدار و مقاومت مقدس ایران اسلامی پیدا کرده‌اند، حقیقتاً اگر در داخل از هر طیف، سلیقه، جناح و تفکری، صدایی بلند شود و عملی سر زند که وحدت‌شکن باشد و تصویر مقتدرانه ایران را در اذهان جهانیان مخدوش و تضعیف کند، آیا این حرف یا فعل، بی‌انصافی، خیانت، جرم و گناه نیست؟ بنابراین وظیفه بسیار سنگین و خطیری بر دوش همه ماست و همه ما باید مراقب افعال و الفاظ و نوع سخن گفتن و عمل کردن‌مان باشیم.

رئیس قوه قضائیه همچنین، حمایت مقامات امریکایی از قانون، نظم و آزادی در جهان را طنزی تلخ دانست و بیان داشت: امریکا مظهر جنایتکاری و بدعهدی و قانون‌شکنی در عرصه جهانی است؛ امریکایی‌ها مکراً و شیادانه، دم از حقوق بشر و حقوق کودکان و حقوق زنان می‌زنند، اما در صدر ناقضان حقوق بشر و حقوق زنان و کودکان قرار دارند؛ امریکایی که به همراه مزدور منطقه‌ای‌اش، یعنی رژیم صهیونیستی، سردمدار کودک‌کشی در دنیاست، در جایگاه حمایت از حقوق کودک نیست! امریکایی که سردمدار نقض حقوق زنان و ظلم به آنان و جنایت علیه آنان در جنگ‌ها و زندان‌ها است، در جایگاه حمایت از حقوق زنان نیست! وقتی امریکا از قانون حمایت از زنان و کودکان سخن می‌گوید، در واقع واژه و مفهوم قانون را مبتذل می‌کند و در حق قانون و قانون‌گرایی و قانون‌گرایان، ظلم می‌کند. رئیس دستگاه قضا، ضمن اشاره به سوابق عهدشکنی امریکایی‌ها، گفت: رویکرد قلدرمآبانه و زورگویانه و سلطه‌جویانه امریکا در قبال دوستان و متحدان این دولت نیز جریان و سَریان دارد؛ طی روزهای اخیر همگان دیدند و شنیدند که مقامات امریکایی چه تعابیر زننده‌ای پیرامون یکی از متحدان‌شان، یعنی کانادا، به کار بردند.

■ بزرگداشت قیام مردمی ۱۷ شهریور

رئیس عدلیه در ابتدای سخنانش ضمن گرامیداشت قیام ۱۷شهریور و شهدای گلگون‌کفن این قیام، گفت: ماندگاری قیام ۱۷شهریور ۱۳۵۷ و شهدای این قیام، از آن حیث است که مردم مؤمن و انقلابی در شرایط خفقان رژیم ستمشاهی، به فرمان امام امت، قیام کردند؛ آن شهامتی که مردم ما در قیام ۱۷شهریور از خود به خرج دادند، حقیقتاً وصف‌ناپذیر است؛ بنابراین ضروری است هرچه بیشتر ابعاد و زوایای قیام ۱۷ شهریور را برای نسل‌های امروزی تبیین و تشریح کنیم. قاضی‌القضات با اشاره به جنایات مستکبران و اذناب آنها در ترور مردم و خادمان آنها در ابتدای انقلاب، خاطرنشان کرد: در روز ۱۷شهریور ۱۳۵۷، عمال رژیم طاغوتی، مردم را به رگبار بستند؛ کسانی از همین آبشخور فکری که ویژگی اصلی‌اش، وابستگی به استکبار است، از فردای پیروزی انقلاب نیز شروع به کشتار و ترور مردم و متدینین و نیروهای خدمتگزار به انقلاب و مردم کردند. در ماه‌ها و سال‌های نخستین انقلاب، چه گروه‌هایی بودند که در معابر عمومی و در میان مردم بمب‌گذاری می‌کردند یا نیروهای خادم به مردم و انقلاب را ترور می‌کردند؟ مگر جز آن است که همه این تروریست‌ها، وابسته به مستکبران بودند و امروز نیز تفاله‌های آنان در دامن همان مستکبران، روزگار می‌گذرانند. محسنی‌اژه‌ای، در ادامه با گرامیداشت یاد و خاطره شهید آیت‌الله قدوسی، دادستان کل انقلاب اسلامی، که در ۱۴ شهریور ۱۳۶۰ به فیض شهادت نائل شد، گفت: شهید آیت‌الله قدوسی، حقیقتاً در خلوص، مردم‌دوستی، وقت‌شناسی و انضباط، رعایت انصاف و عدل و طرفداری از مظلومین، جزو شخصیت‌های زبانزد و شهیر انقلاب اسلامی است. ایشان همچون شهید بهشتی، به کادرسازی و تربیت نیرو برای انقلاب اسلامی نیز بسیار اهتمام داشتند. این شخصیت صدیق و خدمتگزار توسط عناصری ترور شد که وابسته به استکبار جهانی بودند.

گزارش

فاطمه بصیری

پهلوی از جمعه سیاه تا کودتای دی‌ماه

جنگ و جنایت کسب و کار طاغوت است

تاریخ ۱۷ شهریور یا همان جمعه سیاه، تداعی‌گر حادثه خونین تهران و برگی دیگر از جنایات رژیم پهلوی در تقویم ایران است. قتل‌عام مردم تهران در میدان ژاله، یکی از نقاط عطف انقلاب اسلامی بود که پایه‌های متزلزل حکومت ظالم شاهنشاهی را به نقطه پایان نزدیک کرد، زیرا این حکومت تا چند ماه بعد دوام نیاورد. این واقعه، همچون رویدادهای دیگر، ماهیت واقعی شاهی را که با ژست‌ها و اظهارات فریبنده خود را مردم‌دوست و خیرخواه نشان می‌داد، رسوا کرد و تلاش‌هایش را برای سرپوشی بر جنایات باطل نمود.

۱۷ شهریور پس از سلسله تظاهرات مردمی علیه شاهنشاهی رخ داد. راهپیمایی ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ در تهران که مصادف با عید فطر بود، با آرامش برگزار شد. چهار روز بعد، در ۱۶ شهریور، جمعیتی حدود نیم‌میلیون نفر دوباره به خیابان‌ها آمدند. اما دولت شریف‌امامی که تازه نام «آشتی ملی» را بر خود نهاده بود، یک روز بعد یعنی ۱۷ شهریور - که با حمایت کارتر (رئیس‌جمهور وقت امریکا) به اجرا درآمد - حکومت نظامی اعلام کرد. برخلاف ایده ارعاب مردم و توقف جریان فراگیر انقلاب، جمعیت گسترده‌ای از مردم در خیابان‌ها حضور یافتند. رژیم مرعوب شاه نیز به نیروهای نظامی خود دستور داد از زمین و با هلیکوپتر از هوا، مردم را گلوله‌باران کنند که در نتیجه جمعیت بسیاری به شهادت رسیدند. این جنایت فراموش‌ناشدنی بعدها به «جمعه سیاه» معروف شد و میدان ژاله از سوی مردم «میدان شهدا» نام گرفت. کشتار مردم توسط رژیم پهلوی به حدی بود که امام خمینی(ره) در پی این حادثه، اعلام عزای عمومی و ادامه اعتصابات را فرمودند. اسناد و شواهد متعددی حتی از درون حکومت وجود دارد که بر جنایات گسترده پهلوی صحه می‌گذارد و آن را تأیید می‌کند. در اسناد لانه جاسوسی آمده است: «نماینده امنیتی گفت که تظاهرات و برخوردهای عظیمی در منطقه میدان ژاله وجود داشته و بیش از ۴هزار یا احتمالاً نزدیک به ۴هزار و ۵۰۰نفر کشته شده‌اند، علاوه بر این چند صد نفر در دیگر مناطق پایین‌شهر کشته شده‌اند.»

برخی پژوهشگران، از جمله یرواند آبراهامیان، در آثار خود به این نکته اشاره کرده‌اند که برای پراکنده‌کردن جمعیت در مناطق جنوبی تهران از بالگردهای نظامی استفاده شد. یک روزنامه اروپایی نیز در گزارشی نوشته بود که این بالگردها «کوهی از اجساد متلاشی‌شده» به جای گذاشتند.

میشل فوکو، فیلسوف، جامعه‌شناس و روزنامه‌نگار شهیر فرانسوی، در ۲۵ شهریور یعنی حدود یک هفته پس از این واقعه و احتمالاً تحت تأثیر آن به تهران آمد؛ کشته‌های این واقعه را ۴هزار نفر توصیف کرد. البته آمار او بعدها مورد خدشه واقع شد، اما نشان می‌دهد که او تحت تأثیر فضای ملتهب و خشمگین جامعه ایران قرار گرفته بود. امریکا نیز نقش مؤثری در این حادثه جنایت‌بار داشت. با اعلام حکومت نظامی در روز ۱۷شهریور، وزارت امور خارجه امریکا نیز بلافاصله برقراری حکومت نظامی در ایران را مورد تأیید قرار داد و سخنگوی آن اعلام کرد که «ما جمعه اظهار امیدواری کردیم که نظم به‌زودی در تهران برقرار شود و امروز تکرار می‌کنیم که آرامش نیز مجدداً برقرار شود.» از سوی دیگر، از آنجا که مستشاران نظامی امریکا بر ارتش شاهنشاهی سیطره داشتند، می‌توان نقش امریکا را در حوادث ۱۷ شهریور تأیید کرد.

■ از قصاب دیروز تا جانی امروز!

کودتای دی‌ماه، پرده از تکرار جنایت‌های خاندان پهلوی با حمایت‌های امریکا در پهنه تاریخ ایران برمی‌دارد. رژیمی مانند رژیم جنایتکار اسرائیل - همان که ربع پهلوی از آن با عنوان «دوست» یاد می‌کند - بنای حکومت و حتی هویت خود را با خونریزی پی ریخته و اکنون نیز برای بازپس‌گیری قدرت، جز با کفش‌های آغشته به خون، گامی به سوی مقصد برنمی‌دارد.

پس از فراخوان‌های متعدد ربع پهلوی و حضور ماشین ترور امریکا و رژیم اسرائیل در خیابان‌های ایران، ربع پهلوی و رسانه‌های وابسته به غرب تلاش می‌کردند که آشوب‌های خودساخته و مهندسی‌شده را اعتراض مردم جا بزنند، اما در واقعیت نتوانستند این دروغ را پنهان نمایند و خود معترف شدند که معترضان جز مزدوران مسلح نبودند و آشوب و کودتای دی‌ماه همانند جنگی با طراحی قبلی بوده است؛ کسانی که با رفتار خشونت‌بار و اقدامات مسلحانه، با الحاق به اعتراضات مردمی، خیابان را به میدان جنگ تبدیل کردند و رسم کهنه ایرانی‌کشی را که هدف اصلی رژیم اسرائیل در ایران و شیوه حکومت‌رانی خاندان پهلوی بود، پیاده کردند. ترامپ در مصاحبه فروردین‌ماه با فاکس‌نیوز، با تکرار ادعاهایش درباره تعداد جان‌باختگان حوادث دی‌ماه ۱۴۰۴، اعتراف کرد که در آن مقطع امریکا به ایران سلاح ارسال کرده که بین اغتشاشگران توزیع شود.

رضا پهلوی نیز ناچار در تأیید آشوب خودساخته خیابانی و وجود کشته‌های بسیار، در پاسخ به خبرنگار سی‌بی‌اس‌نیوز که از او پرسید: «آیا این کار شما مسئولانه است که مردم را ترغیب می‌کنید به خیابان‌ها بروند و اعتراض کنند، در حالی که آمار کشته‌شدگان بیشتر می‌شود؟» پاسخ داد که «این جنگ است و هر جنگی تلفات دارد» و در جای دیگر صریحاً می‌گوید که یک دریای خون بین ما و نظام ایران قرار دارد. پهلوی‌ها در دوران جنگ نیز با همراهی با حملات امریکا علیه مردم ایران و نیز با کتمان جنایت‌هایی که بعدها در سطح جهانی مطرح شد، از جمله واقعه‌ی مدرسه‌ی میناب، نشان دادند که نه تنها در مسیر کشتار مردم ایران گام برمی‌دارند، بلکه تا آنجا پیش رفته‌اند که هرکس بیشتر مردم ایران را به قتل برساند، بیشتر مورد تحسین قرار می‌گیرد. در حال حاضر فعالیت‌های تروریستی پهلوی‌ها با گرفتن فرمان از اتاق کاخ سفید همچنان ادامه دارد.

اول آنکه پهلوی‌ها در تدارک یک آشوب بزرگ‌تر و مسلحانه‌تر در ایران هستند، و دوم در چارچوب حمایت از جنگ امریکا، در حال عادی‌سازی حمله اتمی به ایران هستند. اظهارات تحریک‌آمیز پهلوی برای راه‌اندازی اغتشاش و ناآرامی، در کنار فعالیت‌های رسانه‌های معاند برای پروژه آشوب که موساد آن را از زمان جنگ طراحی کرده و تاکنون موفق به عملیاتی کردن آن نشده، همچنان ادامه دارد.

به همین جهت، ربع پهلوی برای اینکه مانند پدران جنایتکارش چهره‌ای مردمی به خود بگیرد تا با ترمیم چهره‌اش دوباره مخاطب جذب کند، با انکار خود و تحریف واقعیت فراخوان‌های خشونت‌بار دی‌ماه، به دروغ ادعا کرد که از مردم خواسته بود در خانه‌ها بمانند! ادعایی مضحک که با داده‌های بسیار و وجود فراخوان‌های متعدد وی برای دعوت به آشوب خیابانی در تضاد است. علاوه بر آن، همکاری نزدیک موساد و سلطنت‌طلبان مزدور، ایده اقدامات مسلحانه و خرابکاری برای ایجاد آشوب را تأیید می‌کند. مشاوران رضا پهلوی چون سعید قاسمی‌نژاد همواره از همکاری امنیتی با اسرائیل و موساد سخن گفته و مدعی شده‌اند که براندازی در ایران تنها با پشتوانه حمایت اسرائیل ممکن خواهد بود. این مواضع به خوبی اقدامات خشونت‌بار و کشتار مردم توسط نیروهای اسرائیلی را برملا می‌کند و دقیقاً اظهارات پمپئو را در مورد حضور مأموران موساد در خیابان‌های تهران تأیید می‌نماید.

به تازگی یاسمین پهلوی با انتشار یک استوری در صفحه اینستاگرامش، ادعا کرد که ژاپن با بمب اتمی مورد حمله قرار گرفت و پیشرفت کرد. به وضوح، هدف یاسمین از این استوری، عادی‌سازی حمله هسته‌ای به ایران است. این مسئله، در کنار ارزیابی‌های میزان آسیب‌پذیری و لازم‌الاجرا بودن ایده حمله اتمی به ایران در شبکه تروریستی اینترنشنال، اثبات می‌کند که خاندان پهلوی با حمایت از کشتار مردم توسط امریکا، در حال عادی‌سازی جنایت‌های بزرگ‌تری در حد حمله اتمی هستند؛ جایی که مقامات کاخ سفید در حال تئوریزه‌کردن حمله اتمی‌اند. مارک لوین، مشاور ترامپ، طی اظهاراتی در برنامه تلویزیونی خود، با اشاره به امتناع ایران از تسلیم‌شدن در مواجهه با فشارهای خارجی، به نیاز به تکرار تجربه تاریخی ایالات متحده در مواجهه با ژاپن اشاره کرد و گفته است: «متأسفانه، ما مجبور شدیم دو بمب اتمی بیندازیم تا آنها تسلیم شوند.»

روایت مقاومت

روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR

استیصال امریکا به بازارهای مالی و بدهی رسید

روزی که رهبر معظم انقلاب در پیام خود درباره تفاهم‌نامه، واژه «استیصال امریکا» را به کار بردند، کمتر کسی تصور می‌کرد این توصیف تا این اندازه زود و تا این اندازه دقیق در آمارها خودش را نشان دهد. اما گذر چند هفته کافی بود تا معلوم شود سخن رهبری، توصیفی دقیق از وضعیتی بود که همان روزها در دل بازارهای امریکا در حال شکل گرفتن بود.

«صدای ایران»، روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR، در سرمقاله شماره ۴۴۱ خود با بیان این مقدمه نوشته است: هر گامی که امریکا در این جنگ برداشته، ردی از خود در یکی از بازارهای حیاتی اقتصادش به جا گذاشته است؛ از قیمت انرژی گرفته تا غذا و کالاهای اساسی. و حالا نوبت به جایی رسیده که برای هر دولتی، از حساس‌ترین نقطه‌های اقتصاد به شمار می‌آید: بازار بدهی و اوراق مالی امریکا.

ماجرا از جهش مجدد قیمت نفت در روزهای اخیر شروع می‌شود. با شعله‌ور شدن دوباره درگیری نظامی، قیمت نفت برنت جهشی چشمگیر کرد و به محدوده نزدیک به ۹۵ دلار رسید. نفت وست‌تگزاس امریکا نیز با رشد ۲/۵ درصدی، برای نخستین بار طی دو ماه اخیر بالای ۹۰ دلار قرار گرفت. برای مردم عادی، معنای این اتفاق را می‌توان در یک کلمه خلاصه کرد: گرانی. اما برای اقتصاددانان و سرمایه‌گذاران، نفت گران‌تر هشدار بزرگ‌تری درباره بازگشت فشارهای تورمی به دنبال دارد. در حال حاضر، دولت امریکا بیش از ۴۰ تریلیون دلار بدهی دارد. برای تأمین هزینه‌های خود نیز به انتشار اوراق قرضه وابسته است. خریدار این اوراق، وقتی احساس کند تورم یا ریسک اقتصادی افزایش یافته، پول بیشتری طلب می‌کند. نتیجه ساده است: هزینه قرض گرفتن امریکا بالا می‌رود.

بازده اوراق ۱۰ ساله خزانه‌داری امریکا اکنون در محدوده ۷/۴ تا ۸/۴ درصد قرار گرفته و اوراق ۳۰ ساله نیز بالای ۲/۵ درصد، یعنی سطحی که از سال ۲۰۰۷ به این سو دیده نشده، معامله می‌شود. معنای این اعداد این است که هرچه نرخ بهره بالاتر بماند، سهم بیشتری از منابع دولت باید صرف پرداخت هزینه بدهی شود. سرمایه‌گذاران دنیا دیگر مثل گذشته به امریکا اعتماد نخواهند داشت. پس برای اینکه پولشان را ۱۰ یا ۳۰سال دست دولت امریکا بسپارند، سودهای بسیار بیشتری طلب می‌کنند که از توان دولت خارج است. این قاعده طبیعی اقتصاد است که وقتی اعتماد به یک بدهکار کم می‌شود، باید بهره بیشتری بدهد تا کسی حاضر شود دوباره به او وام دهد. مشکل همین جا متوقف نمی‌شود. نرخ اوراق خزانه امریکا فقط مسئله دولت نیست. این نرخ یکی از پایه‌های قیمت‌گذاری وام مسکن، اعتبار شرکت‌ها و بسیاری از فعالیت‌های مالی در امریکاست. وقتی پول گران می‌شود، خرید خانه سخت‌تر، سرمایه‌گذاری شرکت‌ها محتاطانه‌تر و ارزش‌گذاری سهام شکننده‌تر می‌شود.

بازارهای مالی امریکا و وال‌استریت هم این فشار را احساس کرده‌اند. در روزهای اخیر، شاخص اس‌اندپی ۵۰۰ (S&P500) حدود ۲/۲ درصد و نزدک حدود ۸/۳درصد پایین‌تر از رکوردهای خود قرار گرفتند.

اما نکته تلخ‌تر برای امریکا آنجاست که ژاپن، بزرگ‌ترین خریدار خارجی اوراق قرضه امریکا و همان کسی که سال‌هاست با خرید مداوم این اوراق به امریکا نفس می‌دهد، حالا برای اولین بار از سال ۱۹۹۶، بازده اوراق ده‌ساله‌اش به ۳ درصد رسیده و اوراق بلندمدتش رکوردهای سی‌ساله را لمس می‌کند. وقتی پول ژاپن ضعیف است و بازار داخلی ژاپن هم بازدهی جذاب می‌دهد، چرا سرمایه ژاپنی باید مثل گذشته راهی امریکا شود؟

اینجاست که رگ حیاتی تأمین مالی امریکا دچار اختلال می‌شود؛ درست در لحظه‌ای که خود امریکا بیشتر از همیشه به آن نیاز دارد. جمع این عوامل، تصویری می‌سازد که با شعارهای رسمی کاخ سفید هم‌خوانی ندارد. امریکا برای ادامه جنگ به پول نیاز دارد. برای تأمین این پول باید اوراق بیشتری بفروشد. برای فروش اوراق، باید سرمایه‌گذار را راضی کند. وقتی سرمایه‌گذار بازده بالاتری می‌خواهد، هزینه دولت افزایش می‌یابد. اگر هم نفت گران بماند و تورم دوباره جان بگیرد، کاهش نرخ بهره دشوارتر خواهد شد. و این یعنی هزینه تصمیم‌های واشینگتن در حال افزایش است و آزادی عمل آن محدودتر می‌شود.

امریکایی که ادعای اقتدار اقتصادی دارد، در عمل با بدهی سنگین، بازار اوراقی بی‌ثبات و بورس لرزان دست‌به‌گریبان است. جنگی که قرار بود نمایش قدرت باشد، این روزها به نشانه استیصال امریکا بدل گشته و اگر تا دیروز هزینه سنگین جنگ در بنزین، غذا و کالاهای اساسی نمایش داده شده، حالا هزینه‌اش را روی میز بازارهای مالی هم گذاشته است.

آنچه مسلم است، این است که فضای مانور اقتصادی امریکا برای گسترش هرگونه تنش تازه، بسیار تنگ‌تر از تصور رسانه‌های غربی شده است. همان استیصالی که رهبر انقلاب به آن اشاره کردند، در واقع نامی دقیق است برای دولتی که در اوج ادعای قدرت، در تله‌ای از پرداخت بهره بدهی گرفتار شده است.

گزیده خبر

وزارت اطلاعات خبر داد

۳ هسته عملیاتی گروهک تروریستی تکفیری منهدم شد

وزارت اطلاعات در اطلاعیه‌ای از انهدام سه هسته عملیاتی گروهک تروریستی - تکفیری با دستگیری ۹ تروریست و به هلاکت رسیدن سه تن از آنان در جنوب شرق کشور خبر داد.

به گزارش ایرنا، در اطلاعیه وزارت اطلاعات آمده است: در پرتو الطاف الهی، سربازان گمنام امام‌زمان (عج) در اداره‌کل اطلاعات سیستان و بلوچستان، بر مبنای رصدهای اطلاعاتی و گزارش‌های مردمی، موفق شدند سه هسته سازمان‌یافته و مترصد عملیاتی گروهک‌های تروریستی - تکفیری وابسته به دشمن امریکایی - صهیونی را هنگام ورود به داخل کشور و پیش از هرگونه اقدام خرابکارانه و تروریستی منهدم نمایند. سه تروریست در درگیری با نیروهای حافظ امنیت به هلاکت رسیده و ۹ تروریست وارداتی دستگیر شدند.

در بخشی از این اطلاعیه آمده است: مزدوران دستگیر شده که پس از طی آموزش‌های نظامی، بمب‌گذاری و ترور در خارج از کشور، در حال ورود مخفیانه به کشور بودند، قصد داشتند با ایجاد ناامنی در شهرستان‌های جنوب استان، به آرامش و امنیت عمومی این مناطق ضربه وارد کنند. از تروریست‌های دستگیر شده مقادیر قابل‌توجهی سلاح و مهمات جنگی کشف و ضبط شد. براساس این اطلاعیه، همچنین در ادامه سلسله اقدامات مستمر و هدفمند اطلاعاتی در ضربه به باندهای شرارت، سربازان گمنام امام زمان (عج) موفق شدند یک انبار از سلاح‌های جنگی سبک و نیمه‌سنگین را که به صورت مخفیانه و غیرمجاز وارد کشور شده بود، کشف و ضبط نمایند.

در بخش دیگری از این اطلاعیه آمده است: در پایان، ضمن تشکر مجدد از مردم همیشه در صحنه برای ارائه گزارش‌های مردمی، همچنان تقاضا می‌شود موارد مشکوک را در اولین زمان ممکن به ستاد خبری وزارت اطلاعات (۱۱۳) یا درگاه‌های رسمی این وزارت، در پیام‌رسان‌های ایتا، بله، روبیکا و سروش پلاس به آدرس vaja113@ (با تیک آبی) گزارش فرمایند.